



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی برگزیده

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۶۰	تاریخ	۱۴۰۳/۱۰/۱۲
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به روایات				
عنوان ۵	روایت نهم				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

بحث ما پیرامون احادیثی بود که برای اثبات حجیت خبر به آنها استدلال می شد. تاکنون به هشت حدیث اشاره کردیم و اکنون به حدیث نهم می پردازیم.

روایت نهم

این حدیث را مرحوم کشی روایت می کند:

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قُلُوبِيهِ بْنِ نَصْبَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ

سند دیگری نیز برای این روایت ذکر شده است:

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قُلُوبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى وَأَخِيهِ عَبْدِ اللَّهِ وَ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ كُلِّهِمْ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ مِثْلَهُ - يَعْنِي بَارَهُم: عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ.

سند این روایت قوی است و جای بحث ندارد.

عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ فِي حَدِيثٍ: «أَمَّا مَا رَوَاهُ الزُّرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فَلَا يَجُوزُ لَكَ أَنْ تَرُدَّهُ»^۱.

یونس بن عمار روایت می کند که امام صادق علیه السلام در حدیثی به او فرمود: «اما آنچه را که زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده است، برای تو جایز نیست که آن را رد کنی».

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب القضاء، ابواب صفات القاضی، باب ۱۱، ح ۱۷.

می فرماید: «اگر زاره خبری از ابی جعفر روایت کرد، نمی توانی آن را رد کنی»؛ یعنی باید به آن عمل کرده و آن را قبول کرد؛ چرا که «رد» نقطه مقابل «قبول» است و قبول نیز به معنای عمل به آن می باشد. در اینجا لازم به ذکر است که زاره معصوم نبوده و احتمال خطا در نقل وی وجود دارد؛ چرا که حضرت می فرماید هر آنچه زاره روایت کرده، و احتمال خطا در بعضی از آنها وجود دارد؛ با این حال حضرت می فرماید: «احتمال خطای خبر زاره نزد ما ملغاست». این روایت، صریح در حجیت است.

روایت دهم

مضمون این روایت نیز نزدیک به روایت گذشته است که باز هم مرحوم کشی آن را روایت می کند:

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قُلُوبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لِلْفَيْضِ بْنِ الْمُخْتَارِ فِي حَدِيثٍ: «إِذَا أَرَدْتَ حَدِيثَنَا فَعَلَيْكَ بِهَذَا الْجَالِسِ وَأَوْمَأَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَسَأَلْتُ أَصْحَابَنَا عَنْهُ فَقَالُوا زَرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنٍ»^۱.

روایت شده که امام صادق عليه السلام در حدیثی به فیض بن مختار فرمود: «اگر حدیثی از ما خواستی، به این شخصی که نشسته مراجعه کن» و به مردی از اصحاب خود اشاره کرد. من از اصحابمان درباره او پرسیدم، گفتند: «زاره بن اعین است».

ما محمد بن سنان و مفضل بن عمر را ثقه می دانیم و برای وثاقت ایشان ادله متعددی داریم و توثیق خاص هم دارند؛ البته بعضی، معتقد به وجود معارض برای توثیق آنها هستند؛ با این حال، ما قائل به وثاقت هر دوی آنها بوده و در جای خود مفصل بحث کرده ایم.

اینکه حضرت فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ حَدِيثَنَا فَعَلَيْكَ بِهَذَا الْجَالِسِ»، بدین معناست که «ما حدیث به فهو حدیثنا»؛ یعنی آن حدیثی که او نقل می کند را حضرت معتبر می داند؛ بنابراین، این عبارت معنای حجیت را می رساند.

روایت یازدهم

تا اینجا به بررسی ۱۰ حدیث، از احادیثی که برای اثبات حجیت خبر به آنها استدلال می شد پرداختیم. اکنون به بررسی چهار حدیث دیگر با مضمون مشابه می پردازیم که البته همگی دارای ضعف سند هستند. لازم به ذکر است که این چهار روایت با وجود ضعف سندی، از مضامین بسیار بالایی برخوردارند.

روایت اول، چنین است:

مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ الْمُفِيدُ فِي الْمَجَالِسِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ قُلُوبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ:

اشکال سند این روایت در عمرو بن شمر است. روایات عمرو بن شمر از جابر بسیار زیاد است؛ خود جابر مورد وثوق بوده و جای اشکال ندارد؛ اما در تضعیف عمرو بن شمر بسیار گفته اند. البته تضعیف وی از باب این است که ایشان احادیث متضمن غلو را نقل کرده اند؛ یعنی تضعیفش از باب تضعیف مرویات اوست؛ نه از باب تضعیف شخصیت وی؛ به عبارت

دیگر تضعیف وی به دلیل نقل احادیث ضعیف از نظر مضمون است و ما می‌گوییم این گونه تضعیف، تضعیف به حساب نمی‌آید. فعلا از ورود به جزئیات خودداری می‌کنیم و فرض می‌گیریم که عمرو بن شمر مورد وثوق نیست یا ضعیف می‌باشد.

«قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا حَدَّثْتَنِي بِحَدِيثٍ فَأَسْنَدُهُ لِي فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكُلُّ مَا أَحَدَّثْتُكَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ وَقَالَ: لِحَدِيثٍ وَاحِدٍ تَأْخُذُهُ عَنْ صَادِقٍ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»^۱؛

به امام باقر عليه السلام گفتم: «وقتی حدیثی برایم بیان می‌کنی، آن را برایم با سند بگو»؛ فرمود: «پدرم از جدم از رسول خدا صلى الله عليه وآله از جبرئیل از خداوند تبارک و تعالی برایم حدیث کرد و هر آنچه برایت حدیث می‌کنم با این سند است» و فرمود: «یک حدیثی که از یک فرد راستگو بگیری، برایت بهتر از دنیا و هر چه در آن است، می‌باشد».

روایات دیگری نیز با همین مضمون و با سند صحیح وجود دارد؛ لذا ما بر این اساس می‌گوییم: شما که با دیگران یا با اهل سنت صحبت می‌کنید، احادیث ائمه اطهار را به رسول خدا اسناد دهید و بگویید که سند صحیح دارد. وقتی سند تا امام صادق عليه السلام صحیح بود، دیگر از امام صادق عليه السلام تا رسول الله صلى الله عليه وآله سند صحیح دارد و مرسل نیست. هم این روایت و هم روایات دیگر این مطلب را بیان می‌کنند.

شاهد، انتهای روایت است که می‌فرماید: «لِحَدِيثٍ وَاحِدٍ تَأْخُذُهُ عَنْ صَادِقٍ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا». «تأخذه» یعنی چه؟ یعنی «تأخذه للعمل». و «صادق» یعنی ثقه، یعنی کسی که دروغ نمی‌گوید و مورد وثوق است این خود نشان دهنده آن است که اگر حدیث، حدیثی از «صادق» باشد، حجت است و معنای اخذ یعنی عمل.

روایت دوازدهم

روایت دوم، از این دسته روایات، مانند روایت قبل است:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «سَارِعُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ قَوْلَ الَّذِي نَقِصِي بِيَدِهِ لِحَدِيثٍ وَاحِدٍ تَأْخُذُهُ عَنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا حَمَلَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ»^۲؛

جابر از امام باقر عليه السلام نقل می‌کند که فرمود: «در طلب علم شتاب کنید، قسم به آن کسی که جانم در دست اوست، یک حدیثی که از یک فرد راستگو بگیری، بهتر است از دنیا و هر آنچه از طلا و نقره حمل می‌کند».

نکته اینجاست که یونس با آن همه مقام، روایات متعددی از عمرو بن شمر روایت می‌کند و این خود نشان دهنده این است که عمرو بن شمر، شخص کذابی نبوده است. مضمون این حدیث نیز همان مضمون خبر قبلی است.

روایت سیزدهم

حدیث سوم از همین مجموعه، چنین است:

۱. همان؛ باب ۸، ح ۶۷.

۲. همان؛ ح ۶۸.

وَعَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «قَالَ لِي يَا جَابِرُ وَاللَّهِ لَحَدِيثٌ تُصِيبُهُ مِنْ صَادِقٍ فِي حَلَالٍ وَحَرَامٍ خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ حَتَّى تَغْرُبَ»؛

جابر از امام باقر عليه السلام نقل می‌کند که فرمود: «ای جابر! به خدا سوگند، یک حدیثی که در حلال و حرام از فردی راستگو بشنوی، برایت بهتر از هر چیزی است که خورشید بر آن طلوع می‌کند تا غروب کند».

مناسبات حکم و موضوع در اینجا ظهور دارد بر اینکه «خیر لک» یعنی در صورتی که به آن عمل کنی، برایت خیر است؛ نه صرفاً سماع.

روایت چهاردهم

روایت چهارم از همین سلسله، روایتی است که برقی نقل می‌کند:

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «حَدِيثٌ فِي حَلَالٍ وَحَرَامٍ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ»؛^۲

از امام صادق عليه السلام نقل شده است که فرمود: «حدیثی در حلال و حرام که از فردی راستگو بگیری، بهتر است از دنیا و هر آنچه در آن از طلا و نقره است».

در سه روایت قبل، عمرو بن شمر ذکر شده بود؛ اما در این روایات «عن رجل» آمده است.

از این مجموعه ۱۴ حدیثی که تا کنون بررسی کردیم، روی هم رفته قطعاً آن تواتر اجمالی مطلوب حاصل می‌شود و این تواتر نشان می‌دهد که «خبر ثقه» نزد ائمه اطهار، به عنوان خبری که لابد من قبوله، مورد تأکید قرار گرفته است.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

۱. همان؛ ح ۶۹.

۲. همان؛ ح ۷۰.